

بوده و زمان صفویان خدمت می کرده. اما بعدش آمده و باعث ایجاد تغییر در جامعه شده. بایه‌مان آقامحمدخان قاجار یاحتی همین رضاشاه پهلوی که از جامعه فرودست بوده و معروف به رضاپالانی.

به نظر من این هارامی شود تحت عنوان کشاکش نیروهای اجتماعی مطرح و تبیین کرد. یک نیرویی بوده و فرمانروایی داشته و یک نیروی دیگری هم ظهور کرده و فرمانروایی داشته. این هابا هم تقابل کرده اند و یکی پیروز شده. اما اینکه مثلاً موجودیتی به نام جامعه مدنی باعث ایجاد تغییر بشود و چون نداشته...

طبقه متوسط وجود داشته، ولی از زمانی که عصر صنعتی و مدرنیته شروع شده، اسم گذاری و عدد گذاری کرده اند برایش. این تعریف ها هم بعد از آشنایی با اروپای صنعتی و مدرن شروع شده. شاید بشود گفت از زمان ناصرالدین شاه. در زمان پهلوی ها هم ادامه داشت و بعد از انقلاب اسلامی نیز شاهد تغییرات اساسی در حوزه مسائل اجتماعی ایران بودیم. در ده، پانزده سال اخیر ارتباطاتی که ایرانیان با دنیا داشته اند، در طول تاریخ ایران بی سابقه بوده است.

**■ گروهی معتقدند که طبقه متوسط در حال کوچک شدن و حتی حذف است. صر فاهم شامل ایران نیست، شامل همه دنیاست. شما قبول دارید این ادعا را؟**

اینجا بحث تساوی مطرح می شود. در اروپا تساوی آدم هانسیب به هم زیاد است، اما تا وقتی که جامعه مادر غیر تعصب باشد، این وضعیت در کشور مان اصلاح نخواهد شد.

**■ منظورتان از تساوی، برابری در دسترسی به فرصت هاست دیگر؟**

بله، دقیقاً. یعنی در دسترسی به امکانات آموزشی و اجتماعی و اقتصادی و... برابر باشند. نه اینکه چون من خودم و گروهم و عقاید من را برتر می دانم، پس اگر در سمت و سوی من نباشی، به تو اجازه ندهم رشد کنی. این طور نباشد که حرف خودمان را درست و وحرف دیگری را غلط بدانیم. اگر این تساوی در دسترسی به فرصت ها شکل بگیرد،

اشاره کردم دهه و بعد از آن، دهه شورش های اجتماعی خواهد بود.

**■ به نظر تان این شورش های اجتماعی تا کی ادامه خواهد داشت با مسأله ساز خواهد بود؟**

این شورش ها فرسایشی است. دست کم پانزده، بیست سالی حضور خواهد داشت؛ تازه در صورتی که نیروهای انقلاب باز آفرینی نشده و اصلاحات و تغییرات مورد نیاز صورت نگیرد. امروزه قربانیان بی گناه این وقایع شهید دانسته می شوند و کمیته هایی تشکیل می شود تا ببینند چه اتفاقی افتاده. این هانسانه های مثبتی هستند. الان وقتی رئیس جمهوری می گوید که صبح جمعه مطلع شده، یعنی می خواهد این پیام را منتقل کند که همه چیز دست من نیست و از جاهای دیگر مدیریت شده است. به نظر من باید همه این نکته ها در کنار هم گذاشته و سپس بررسی کنیم که چه شده است.

**■ به نظر تان اعتراضاتی از این دست، به نفع جامعه و توسعه سرزمینی ماست؟**

نه، چنین عقیده ای ندارم. حتی اگر اعتراضات دنبال شود و حتی اگر منجر به تغییرات اساسی حاکمیتی هم بشود، باز هم این را به نفع جامعه ایرانی نمی دانم. جامعه ایرانی یک خشونت انباشته دارد. مردم بشدت علیه هم خشونت و حتی گاهی کینه دارند. حتی زمان هم که بگذرد، این خشونت ها علیه هم می تواند بیشتر و جدی تر هم بشود. در نتیجه اگر نظم اجتماعی و عمومی به هم بریزد، هر کسی می تواند علیه دیگران کارهای زیادی بکند. الان در عصری زندگی می کنیم که دیگر اعتقادات دهه های قبلی بشدت کم رنگ شده. عدم وجود این اعتقادات، می تواند در دوره بی نظمی تبعات سنگینی برای ایران داشته باشد. برای جامعه ای که در جست و جوی پیشرفت و توسعه عمیق است، این اصلاً اتفاق خوبی نیست. متأسفم به عنوان یک جامعه شناس بگویم که زمینه های اساسی آسیب های اجتماعی در ایران، گسترش پیدا کرده و منجر به تبعات امنیتی هم شده است. به نظر من



باید این رویه را مدیریت و کنترل کرد؛ با اصلاحات اجتماعی.

**■ به نظر تان چطور می شود تحرک اجتماعی شهروندان برای حرکت از طبقات فرودست به طبقات متوسط را افزایش داد؟**

مهم ترین مشکل امروز ما مسأله اقتصاد است. باید مشکل اقتصاد را حل کنیم. قبل از اقتصاد هم، این است که باید قوانینی تدوین باید که به همه آدم هایی که توانمندی لازم را دارند، اجازه رشد بدهد. وقتی مدرسه فرزند من با فرزند فلان مسئول وفلان فرد متمول متفاوت است، در نتیجه شما هیچ تصویری برای آینده سال آینده نمی توانید داشته باشید. زمانی می توانید تصویر روشنی برای آینده داشته باشید که جامعه برای هر بچه ای، بر اساس میزان استعدادی که دارد، هزینه کند؛ بدون اینکه در نظر گرفته شود که این بچه فرزند من باشد یا یک مسئول یا هر کسی دیگر. باید آموزش و پرورش ما این تساوی در دسترسی به فرصت ها را در خودش داشته باشد. یعنی بچه های منطقه سرباز سیستان و بلوچستان و روستاهای اطراف بوشهر و کردستان و تهران، به یک نسبت از آموزش بهره مند شوند. باید زیر ساخت چنین امری فراهم شود. اگر هم این اتفاق بیفتد، تازه ماتغییرات لازم را شروع کرده ایم و پانزده، بیست سالی زمان لازم است تا به استاندارد لازم برسیم. در غیر این صورت، تحرک اجتماعی وجود نخواهد داشت و فرودست، فرودست تر شده و حتی از طبقات متوسط جامعه، ریزش های فراوانی به طبقات فرودست خواهیم داشت. از نظر اقتصادی، به ازای هر پنج درصد تورمی که بالاتر می رود، در صدی هم از طبقه متوسط به طبقه فرودست ریزش می کنند. این هارا باید مدنظر داشته باشیم.

ایران هم می تواند شبیه کشور های توسعه یافته یا در حال توسعه، این مسیر را شروع کند. متأسفانه در حال حاضر این امکان را نداریم. طرف می گوید چون پدرم فلانی است و رویکرد بهمان است، در نتیجه من امتیاز بیشتری در دسترسی به فرصت ها باید داشته باشم.

**■ پس منظورتان است که امتیازات، باید بواسطه شایستگی های واقعی و عقلانی اعطا شوند شایستگی های مناسبی و خانوادگی و...؟**

بله، چنین است.

**■ شما واکنش های اخیر، نتیجه اعتراض قشر فرودست می دانید یا قشر متوسط؟**

چند نفر از استادان جامعه شناسی البته معتقد بودند که این نتیجه واکنش جامعه فرودست بوده است. اما من چنین نظری ندارم. البته در نهایت، این طبقه فرودست بود که به میدان آمد. اما از نظر من جنبه های امنیتی این واقعه مهم تر از جنبه های اجتماعی آن است؛ هر چند که کار به طبقات فرودست و حاشیه نشین و فقیر نشین کشید و این مناطق، عرصه ظهور و بروز این واقعه شدند. به نظر من این مناطق به صورت خود جوش درگیر این اعتراضات نشدند، بلکه انتخاب شدند و این واقعه در این اماکن به وقوع پیوست. من در میدان خزر ساری حضور داشتم. مردم هم حضور داشتند. یک دفعه گروهی آمدند و همه چیز را شکستند و سوزاندند و رفتند؛ سروروی شان هم پوشیده بود. اصلاً مشخص نشد از کجا آمدند و کجا رفتند. بنابراین فکر می کنم جنبه های امنیتی این قضیه پررنگ تر از جنبه های جامعه شناختی آن بوده. البته این نگاه به معنای نادیده انگاشتن جنبه های اجتماعی نیست. در گفت و گو با خود شما و در سال ۱۳۸۵ بود که من